



نگاه تجاری به کتاب، آفت حوزه پژوهش



محمود مدبری*

بخشی از این روند بازمی‌گردد به بازار و ناشران. گاه ناشر برای نشر اثری هزاران بهانه رنگارنگ مانند مشکل کاغذ، توزیع و... می‌آورد؛ اما همان ناشر به چاپ یک اثر چندجلدی همت می‌ورزد. از این جهت گاه در رفتار ناشران که از فعالان حوزه فرهنگ به حساب می‌آیند، تناقض می‌بینیم. البته تنها ناشران خصوصی طرف این سخن نیستند؛ بلکه در این بازار، ناشران دولتی هم سهمی دارند. گاه در میان این ناشران، روابط بر ضوابط حاکم است. اگر هیئتی بر همه آثار نظارت کند خوب است، اما برخی از آثار بدون رعایت این چارچوب‌ها در قفسه کتاب‌فروشی‌ها می‌نشینند.

مسئولان امر در گزارش‌ها اعلام می‌کنند که بر تمامی مسائل مربوط به کتاب نظارت دارند، اما دیده شده که اثری با وجود اثبات غیرمستندبودن آن از سوی اساتید بزرگ، بارها به همت ناشران مختلف به چاپ می‌رسد. به عنوان نمونه، دیوانی با عنوان «دیوان حسین منصور حلاج» به زبان فارسی بارها به طبع رسیده و این در حالی است که اهل تحقیق می‌دانند که از این عارف نامی تاکنون سروده‌ای به زبان فارسی به دست نیامده است و هرچه باقی است به زبان عربی است. پیش از انقلاب در این زمینه بحث شد؛ بزرگانی مانند نفیسی اثبات کردند که این اشعار نه تنها از حلاج نیست که از آن کمال‌الدین حسین خوارزمی، شاعر همعصر حلاج، است. از دیگر موارد می‌توان به چاپ آثار متعددی منتسب به عطار نیشابوری اشاره کرد. چاپ این آثار ثمره سرقاتی است که در طول تاریخ انجام شده و پیامدهای آن همچنان تا دوره اخیر ادامه دارد.

روند کتاب‌سازی را در حوزه پژوهش‌های ادبی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

متأسفانه روند کتاب‌سازی را می‌توان در آثار پژوهشی حوزه ادبیات بخوبی احساس کرد. این ویژگی بخصوص در آثار که به شیوه دایرةالمعارفی نوشته می‌شوند، بیش از دیگر آثار به چشم می‌خورد. مجموعه عوامل متعددی سبب بروز چنین رویکردی در پژوهش شده است که از این جمله می‌توان به درآمدزایی اشاره داشت.

در گذشته، تحقیق و پژوهش در تصحیح متن با نسخ متعدد و به همراه نگارش مقدمه‌ای در ابتدای اثر، رنج محقق را می‌طلبید. ولی الآن می‌بینیم که مجلدات متعدد و مجموعه‌های بزرگ چاپ می‌شود. در نگاه نخست این تصور به ذهن متبادر می‌شود که نویسنده تلاش بسیاری در خلق اثر داشته است، در صورتی که این‌گونه نیست.

در بازار نشر، آثار متعددی دیده می‌شود که تنها عنوان مناسبی دارند ولی از جهت علمی تهی بوده و صلاحیت استناد در پژوهش‌های علمی را ندارند و باید با احتیاط به این منابع مراجعه کرد. البته این بدان معنا نیست که سراسر بازار کتاب از این قبیل آثار اشباع شده است. در همین حوزه نشر هستند آثاری که به قلم پژوهشگران و مؤلفان صاحب‌نظر به رشته تحریر درآمده یا توسط گروه‌های پژوهشی در قالب رساله‌های دانشگاهی منتشر شده‌اند.

به نظر شما چنین روندی در حوزه پژوهش ما، با وجود سابقه علمی کشور، از کجا نشأت می‌گیرد؟

* استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کرمان



آیا اثری از شما هم در سال‌های اخیر دستخوش سرقت و پخته‌خواری شده است؟

کتاب ساده و پیش پا افتاده‌ای داشتیم که دو مرتبه با دو نام متفاوت چاپ شد. یکی از فضلا این قضیه را متوجه شده بود و از کار من دفاع کرد. من که در حلقه پژوهش عددی نیستم؛ اما گاه این موضوع متوجه آثار بزرگان می‌شود.

به نظر شما چه عواملی سبب شده تا با این روند در حوزه پژوهش روبه‌رو باشیم؟

بخشی از این قضایا به مسائل سیاست‌گذاری فرهنگی بازمی‌گردد که از نظر علمی جدا است؛ به این معنی که کارها به دست افرادی رسیده که غیر متخصص هستند و پول درآوردن هدف اصلی آنها است. بخش دیگری از این قضایا معلول پدیده بازاریابی توسط ناشران است. ناشران در سال‌های اخیر بیشتر تمایل به چاپ آثاری دارند که از نظر اقتصادی برای آنها سودآور باشد. به همین دلیل با تولید انبوه کتاب با موضوعات آموزشی و کمک‌درسی روبه‌رو هستیم. زمانی مقابل دانشگاه تهران محل جمع‌شدن اساتید و اهل تحقیق بود، اما امروزه این خیابان به مکانی برای دست‌فروش‌ها و فروشندگان کتب کمک‌درسی و کتاب‌های رنگین‌نام مبدل شده.

وضعیت کتابسازی را در حوزه تصحیح متون چطور ارزیابی می‌کنید؟

امروزه تعداد دانشجویانی که در مقطع دکتری و کارشناسی ارشد تحصیل می‌کنند، زیاد است. به نظر برخی از آنها راحت‌ترین راه برای اتمام پایان‌نامه، تصحیح نسخ خطی است. و فوراً متنی را انتخاب کرده، مشغول تصحیح آن می‌شوند. از این جهت است که گرایش به این موضوع زیاد شده است. علاوه بر این، راه‌اندازی کتابخانه‌های دیجیتالی موجب شده است انواع نسخ در اختیار همگان قرار گیرد. جالب این است که این پایان‌نامه‌ها هم بلافاصله پس از دفاع براحته در روند چاپ و نشر قرار می‌گیرند. این در حالی است که در گذشته، سالیان سال طول می‌کشید تا پژوهشگری اثری را به چاپ برساند.

به نظر شما، ممیزی ارشاد می‌تواند راهکار مناسبی در جهت کنترل این پدیده باشد؟

ممیزی به عنوان مطلق کلمه باید در حوزه کتاب و چاپ و نشر باشد؛ چرا که این حوزه، حوزه حساسی است و شوخی‌بردار نیست. چاپ و نشر نیز همانند هر حوزه دیگری نیاز به چارچوب و معیار خاص دارد؛ البته باید برای این حوزه قوانینی تعیین شود تا سلايق شخصی در ارزیابی آثار دخالت داده نشوند و معیار اصلی را براساس موازین علمی قرار دهیم.

■

تازه‌های میراث مکتوب

میر تذکره
شناختنامه میرتقی‌الدین محمد کاشانی
نقیسه ایرانی
ضمیمه شماره ۲۴ آینه میراث
۱۳۹۱

تاریخچه چاپ کتاب‌های فارسی در شبه قاره
نوشته معین‌الدین عقیل
ترجمه عارف نوشاهی
ضمیمه شماره ۲۵ آینه میراث
۱۳۹۱

میر تذکره
شناختنامه میرتقی‌الدین محمد کاشانی
نقیسه ایرانی

کتاب‌های گاه‌گشاده
چاپ
میراث
نقشه

